

# با یسته‌های تربیت سیاسی

## علیرضا هاشمی سنجانی\*

در محیط سیاسی داخلی و خارجی، هرروز شاهد برخوردها و کشمکش‌های فراوانی هستیم که همگی متأثر از مطالبات گوناگون، هویت‌ها، دلبستگی‌ها و وفاداری‌های افراد نسبت به ملیت، ادیان و مذاهب، دیدگاه‌های متفاوت و... است. نگاه، گرایش، دانش و احساسات کسب‌شده در دوران کودکی و نوجوانی به مثابه پایه و اساس فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی آینده از اهمیت شایانی برخوردار است. اگر بپذیریم رسالت مهم و دلیل شکل‌گیری مدارس در طول تاریخ بشری آماده‌سازی شهروندان مسوول، فعال و خلاق بوده است و اگر بپذیریم آن‌گونه که ژان ژاک روسو گفت، شهروند باید ساخت، چراکه با آن همه‌چیز خواهیم داشت و بدون آن، هیچ‌چیز نخواهیم داشت و اگر بپذیریم جامعه‌پذیری سیاسی از اجزای تربیت شهروند، ساختن فرهنگ سیاسی نسل جدید را به گونه‌ای سامان می‌دهد که استمرار رو به رشد جامعه ممکن شود و اگر بپذیریم مردم‌سالاری دینی در جامعه ما مسبوق به سابقه نبوده و پدیده‌ای جدید است باید مردم‌سالاری و لوازم آن و ترکیب آن با دین را جدی‌تر از قبل مورد تامل و تفکر و گفت‌وگوی جمعی قرار دهیم. هم مخالفان مردم‌سالاری مانند افلاطون و هم طرفدارانش مانند دیوئی بر آگاهی و بنیاد آن - تربیت - تکیه و تاکید می‌کنند. حکومتی که بر پایه‌گزینش همگانی است نمی‌تواند در کار خود کامیاب شود مگر آنکه بر گزیننده و برگزیده هر دو از تربیت سیاسی شایسته برخوردار باشند. تربیت سیاسی با آموزش درباره سیاست و دانش‌های مربوط به آن آغاز و با سیاست‌ورزی‌های اولیه (شورای دانش‌آموزی - مجلس دانش‌آموزی و...) در محیط مدرسه، با تجربه‌های سیاسی محدود عمق یافته و مفاهیم سیاسی درونی می‌شوند. تربیت سیاسی در قله خود سیاست‌ورزی‌های پیش‌رو را هدف قرار داده و دانش‌آموز را به ابزارهای لازم برای فعالیت‌های آتی آماده می‌کند. مقوله تربیت نه آموختن صرف، نه القای باورها، نه واداشتن به تبعیت از دیگران و پیروی از آداب و رسوم و عادات‌هاست، تربیت رسیدن به مقام خردمندی و آزادی است. تربیت منتهی به مردم‌سالاری از یک طرف باید ایجاد آمادگی و شوق به شرکت در کارهای اجتماعی - سیاسی را در فرد دنبال کند و از طرف دیگر تحمل مخالف و بردباری را به منش فرد تبدیل

نماید. آنچه شوق به شرکت در کارهای اجتماعی - سیاسی را در فرد برمی‌انگیزاند، زندگی در جامعه‌ای است که شهروندان را می‌بیند و هر عضو جامعه خود را تاثیرگذار در تصمیمات و اقدامات جامعه می‌یابد. تاثیرگذاری شوق‌آور است و بر کوشش و تلاش هر عضو می‌افزاید و برعکس نادیدن و نیافتن نقش در روند جامعه، گوشه‌گیری، انزوا، بی‌اعتنائی و گاهی عصیان را به دنبال خواهد داشت.

بردباری و تحمل مخالف مانع زیرزمینی شدن اندیشه‌ها و آشکارگی تفکرات را در پی خواهد داشت، زندگی همبسته اعضای جامعه محتاج این نوع از تربیت سیاسی منتهی به مردم‌سالاری است.

تربیت سیاسی در کنار دوپایه ذکر شده باید با واقعیات سنی و طبیعی دانش‌آموزان سنخیت داشته باشد، انتظارات از نوجوان 15-16 ساله را ایده‌آلیستی دامن‌زنیم و واقع‌گرا باشیم.

مدرسه مهم‌ترین نهاد اجتماعی شدن فرزندان این سرزمین است، مدرسه را متعلق به جامعه بدانیم و حساسیت دولت بر حمایت و پشتیبانی باشد نه دخالت و تصدی‌گری در این نهاد.

کلام آخر اینکه؛ تربیت پیچیده است، تربیت سیاسی پیچیده‌تر، تحقق مردم‌سالاری سخت است، مردم‌سالاری دینی سخت‌تر. اگر باور به ساختار سیاسی کشور در عمل، نه در سخن جدی است، برای سامان بهینه نظم سیاسی کشور، راهی به جز صداقت و جدیت در گفت‌وگوی جمعی و یافتن پاسخ‌های کارآمد در زمینه تربیت سیاسی نداریم. این مسیر را باز کنیم.

\*دبیر کل سابق سازمان معلمان ایران

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 9 شهریور 1401